

مخالفت با جهانی شدن سرمایه در میان آمریکاییان اوج می‌گیرد

در بروکلین (آمریکا) کافه‌ای به افتخار کشاورز سییلوی گوسفندداری «خوزه بووه» نام‌گذاری شده است. «خوزه بووه» که در فرانسه به خاطر سوراخ کردن سقف رستوران مک دونالد با بیل مکانیکی متصل به تراکتورش به زندان محکوم شده است، قهرمان مخالفان جهانی شدن سرمایه نیز نامیده می‌شود. صاحب کافه «خوزه بووه» به قهرمانش بسیار علاقه‌مند است و او را مبارز می‌داند.

در آن سوی آمریکا در منطقه «کینگ کانتی» در حوزه واشنگتن مقام‌های منتخب مردم به نهضت مخالف جهانی شدن سرمایه می‌پیوندند و با پخش اعلامیه‌هایی، ضمن حمایت از این قهرمان سییلوی فرانسوی با صراحت اعلام می‌کنند که جهانی شدن سرمایه به تخریب محیط زیست و رواج کار کودکان در کشورهای فقیر خواهد انجامید، زیرا کشورهای فقیر فقط با بهره‌گیری از نیروی کار ارزان کودکان می‌توانند در بعضی محصولات به رقابت با کشورهای ثروتمند بپردازند.

بروز مخالفت با جهانی شدن در کینگ کانتی کمی ناگوار است، زیرا این منطقه سیاتل را هم در بر می‌گیرد؛ یعنی همانجایی که در هشتم آبان میزبان وزرای عضو سازمان تجارت جهانی که منی‌خواستند فصل نوینی در تجارت جهانی بگشایند، بود.

حدود ۵۰ هزار نفر از سراسر آمریکای شمالی، از جمله زاپانیست‌های مکزیک و اعضای انجمن راکس، از برکلی، در کالیفرنیا برای اعتراض گرد

آمدند. این اعتراضات از زمان جنگ ویتنام تاکنون بی‌سابقه بوده است.

نگرانی‌های مردمی سبب شده است تا جهانی شدن، وارد دستور کار سیاستمداران شود. از زمانی که کنگره آمریکا به سال ۱۹۹۷ بیل کلینتون را از کسب اختیار کامل برای مذاکره درباره قراردادهای تسجاری در محدوده «نفتا» (۱) باز داشت، سیاست‌گذاران آمریکایی بر یکپارچگی اقتصادی اصراری نمی‌ورزند. اوایل سال جاری میلادی مجلس نمایندگان آمریکا به نسبت دو به یک، به سهمیه واردات فولاد رأی داد و دولت کلینتون از توافق با چین بر سر پیوستن به سازمان تجارت جهانی سرباز زد زیرا می‌ترسید کنگره آن را رد کند.

اکنون منتقدان جهانی شدن سرمایه، حوزه نفوذ خود را به مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۰۰ در آمریکا گشاده‌اند. هنگامی که کلینتون توافق تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) را به دستور کار مبارزات انتخاباتی خود در سال ۱۹۹۲ تبدیل کرده بود دو حزب جمهوری خواه و دمکرات با هم درباره آن اختلاف داشتند، اما اکنون اختلاف نظر به درون هر یک از دو حزب کشیده شده است. در هر دو حزب عده‌ای خواهان محدودیت واردات و جهانی شدن سرمایه هستند.

مخالفت با واردات به سیاست خارجی آمریکا نیز کشیده شده است. البته تا زمانی که رکود دردناکی همانند بحران بزرگ ۱۹۲۹ آمریکا را تهدید نکند انزوا گرایانی نظیر «بت بیوکانن» فرصت ابراز وجود و کسب اکثریت آرا در انتخابات

ریاست جمهوری نخواهند داشت، با این همه، با افزایش مخالفت نسبت به قیمت‌شکنی صادرکنندگان آسیایی فولاد در آمریکا، این خطر وجود دارد که مخالفت با بازار آزاد در آمریکا در سال‌های پس از انتخابات آتی اوج گیرد و ادامه یابد.

نکته قابل توجه درباره جهانی شدن این است که در دوران رشد بی‌سابقه اقتصاد آمریکا بحث آن جدی شده است. طبق عقل سلیم ۸ سال رونق اقتصادی مداوم در آمریکا به این معنا است که رأی‌دهندگان دیگر به مسایل اقتصادی اهمیت نمی‌دهند. درست است که کسری موازنه تجاری به بالاترین حد خود رسیده است، اما این هم حقیقت دارد که بخش‌های تولیدی و کشاورزی در آمریکا رونق کمتری دارند و به رکود و کساد نزدیک می‌شوند، از طرفی نرخ بی‌کاری در مشاغل جدید کمتر از مشاغل سنتی است.

استثنای بزرگ

رییس مؤسسه خط مشی مترقی در آمریکا، ویل مارشال، که در میان دمکرات‌ها از افراد با نفوذ طرفدار تجارت آزاد است، اعتقاد دارد که به این دلیل تجارت آزاد در آمریکا بحث داغی شده است که مردم می‌ترسند با رواج آن شغل، مستمری، تأمین اجتماعی و غیره از بین برود. همین ترس باعث می‌شود که جهانی شدن سرمایه از حمایتی شکننده برخوردار شود. یک بنگاه نظرسنجی از مردم آمریکا این پرسش را کرد که آیا با رفتار آمریکا به عنوان رهبر اقتصادی جهان موافقت؟

اکثریت پاسخ مثبت دادند، اما ۴۶ درصد از پاسخ‌دهندگان معتقد بودند که آمریکا باید گرایش به طرف جهانی شدن سرمایه را کندتر سازد تا به کارگران آمریکا آسیبی نرسد.

ظاهراً چنین نگرانی‌های مردمی در مبارزات انتخابات ریاست جمهوری جایی ندارد.

نامزدهای طرفدار خواهان پیشبرد تجارت آزاد هستند. «بیل برادلی» اشتیاق خود به تجارت آزاد را کاهش نمی‌دهد تا «الگور» نتواند طرفدارانش را کم کرده و به سوی خود جذب کند. البته تفاوت عمده‌ای بین «الگور» که طرفدار توافقی‌های تجاری براساس موازین و معیارهای حفظ محیط زیست است با «جرج دبلیو بوش» وجود دارد. جرج بوش در جهانی شدن سرمایه به هیچ محدودی معتقد نیست.

بنابراین به نظر می‌رسد که اقتصاد آمریکا نگرانی‌های مردم را به خود راه نمی‌دهد و مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری هم آنها را به جد نمی‌گیرد، پس چرا نسبت به این موضوع نگرانی‌هایی وجود دارد؟ پاسخ این است که تجارت و داد و ستد، آهنربایی شده است که گروه‌ها و مقوله‌های نوین را به خود جذب می‌کند. زمانی بود که داد و ستد و تجارت به تعرفه‌ها و سهمیه‌ها منحصر می‌شد. در آمریکا نیز مانند هر جای دیگر تجارت، منافع صنعتگران و تولیدکنندگان را به خطر می‌انداخت. بحث گسترش یا محدود کردن تجارت عمده‌اقتصادی بود و به مشاغل و قیمت‌ها محدود می‌شد. هنگامی که رقابت ابرقدرت‌ها مطرح می‌شد، موضوع تجارت آزاد در میان دوستان آمریکا، مورد حمایت هر دو حزب جمهوری خواه و دمکرات آمریکا قرار می‌گرفت.

اکنون رقابت دوابرقدرت از بین رفته است. تجارت و بازرگانی، خواهان آزادی است، اما یک استثنای بزرگ وجود دارد و آن واردات فولاد است

و مهمتر از همه تجارت آزاد و جهانی شدن سرمایه این روزها مسایل محیطی، حقوق بشر و معیارهای کار و حقوق کارگران را در بر می‌گیرد.

همین مسایل، سیاست تجارت را متحول کرده است و عنصر جدیدی را در بحث‌های کنگره آمریکا در هر دو حزب به وجود آورده است. به طور

دمکرات‌های میان‌روی آمریکا سعی دارند ثابت کنند که جهانی شدن سرمایه، به افزایش بیکاری در آمریکا منجر نخواهد شد.

کلی می‌توان گفت که دمکرات‌ها طرفدار معیارهای جهانی کار و محیط زیست هستند، اما جمهوری خواهان با این معیارها مخالفند. از این رو دشوار است بتوان امیدوار بود که در کنگره اکثریتی متشکل از دو حزب، همچون گذشته بر سر تجارت آزاد با هم توافق داشته باشند.

وانگهی، مسایل محیط زیست و حقوق کارگران به اختلاف نظر در درون هر دو حزب دامن زده است. در گذشته جمهوری خواهان مدافع سرسخت تجارت آزاد بودند. اما اکنون بین حدود یک چهارم تا یک سوم جمهوری خواهان علیه اقدامات بازکننده بازار و تجارت آزاد رأی می‌دهند، زیرا آنان از سازمان تجارت جهانی خوششان نمی‌آید، عده‌ای از آنان نیز از مقررات

حافظ محیط زیست متفردند و عده‌ای نیز از چین دل خوشی ندارند و نمی‌خواهند آن کشور با پیوستن به سازمان تجارت جهانی قدرتمندتر شود.

در چنین اوضاع و احوالی، این به اصطلاح دمکرات‌های جدید هستند که خود را گروه میانه‌رو و طرفدار کلیتون می‌نامند و از تجارت آزاد دفاع جانانه می‌کنند. «الگور» معاون رییس جمهور و نامزد ریاست جمهوری از سازمان‌دهندگان این گروه به شمار می‌رود. این گروه از تجارت آزادسازی نظام‌های اقتصادی در سراسر جهان دفاع می‌کنند و همان‌هایی هستند که می‌خواستند کلیتون در مذاکرات با کشورهای عضو نفتا اختیارات تام داشته باشد. دمکرات‌ها ماه گذشته در مورد مبارزه با جرایم، اصلاحات آموزشی و افزایش دقت در محاسبات بودجه‌های ایالتی با هم به توافق رسیدند، اما در چگونگی پاسخ به روند جهانی شدن سرمایه با هم اختلاف دارند.

دمکرات‌های محافظه‌کار در مخالفت خود با دمکرات‌های میان‌روی طرفدار کلیتون از حمایت اتحادیه‌های کارگری برخوردارند و همین حمایت ممکن است در انتخابات ریاست جمهوری تأثیر بگذارد. اما دمکرات‌های میانه‌رو قصد دارند ثابت کنند که جهانی شدن سرمایه به افزایش بیکاری در آمریکا منجر نخواهد شد.

اما اگر آمریکا به رهبری اقتصادی خود در جهان علاقه‌مند باشد، مجبور است بهای نارضایتی بخشی از افکار عمومی خود را بپردازد.

مأخذ: اکونومیست - هفته چهارم اکتبر ۱۹۹۹

برگردان از بخش ترجمه «گزارش»

پی‌نوشت:

۱- «نفتا» مخفف پیمان همکاری‌های اقتصادی بین آمریکا - کانادا و مکزیک است که چند سال قبل بین این ۳ کشور بسته شد.